

جو زده نشو !

نویسنده: رضا مسجدی

آفات جو زدگی

۱. زیرپا نهادن مسائل شرعی
 ۲. کمک به فراگیری رفتارهای نادرست
 ۳. بروز اختلافات خانوادگی
 ۴. تشبیه به کفار
 ۵. دو گناه
 ۶. ترک نهی از منکر
 ۷. عوارض مالی و جسمی
- ## راهکارها
- ۱- نترسیدن از سرزنش و ملامت دیگران
 - ۲- دوری از افراد جوگیر
 - ۳- عوض کردن جمع
 - ۴- پیشگامی خرد
 - ۵- تقویت اعتماد به نفس
 - ۶- تقویت مهارت نه گفتن

مقدمه

چرایی همنوایی

همنوایی؛ درست یا اشتباه؟

همنوایی نامطلوب از دیدگاه اسلام

۱- کورکورانه

۲- کثرت طرفداران

۳- انگیزه عاطفی

۴- پرهیز از رسوایی

عوامل مؤثر بر هم‌رنگی و هم‌نوایی

(۱) ضعف هویت دینی

(۲) ضعف شخصیتی

(۳) نداشتن استقلال فکری

(۴) رقابت و چشم و هم چشمی

(۵) تمایل به نوگرایی

(۶) تحمیل جو جامعه

جو زده نشو!

مقدمه

انسان در مسیر زندگی خانوادگی و اجتماعی خود، ناگزیر از برخورد و مواجهه با افراد مختلف است که با سلايق، عقائد، فرهنگ‌ها و باورهای مختلفی زندگی می‌کنند. بی‌تردید، یکی از ویژگی‌های روحیه حساس انسان، تأثیرپذیری ناخودآگاه است که خواسته یا ناخواسته از گفتارها و رفتارهای محیط پیرامون، تأثیر می‌پذیرد، با این تفاوت که این تأثیرپذیری در انسان‌های دارای مبانی عقلانی و تفکرات و عقاید تثبیت شده، موقت و گذرا، ولی در انسان‌های ضعیف‌النفس و افراد دارای مشکلات رفتاری و اخلاقی و کسانی که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند، سریع و پایدار خواهد بود و آنان به راحتی هر سبک، مدل، مد و رفتاری را بدون اندیشیدن و یا توجه به پیامدها و پیام‌های آن می‌پذیرند و به‌منظور جلب توجه دیگران و عواملی مانند آن، خود را هم‌رنگ با محیط در می‌آورند و نوع رفتار، پوشش، گفتار و تمامی جوانب زندگی خود را مطابق فضای خوشایند و ایده‌آل دیگران در می‌آورند.

چرایی هم‌نوایی

مطالعات محققان نشان می‌دهد که انسان‌ها به دو دلیل متفاوت، هم‌نوایی می‌کنند، یعنی به عبارت دیگر، ما دو نوع هم‌نوایی داریم: «هم‌نوایی اطلاعاتی» و «هم‌نوایی هنجاری». وقتی مردم به این دلیل هم‌نوایی می‌کنند که فکر می‌کنند نظر جمع درست است و بر نظر آن‌ها ترجیح دارد، گفته می‌شود که هم‌نوایی اطلاعاتی صورت گرفته است. شخص در این موقعیت‌ها صرفاً در جستجوی راه حلی برای رفع تردید و عدم یقین خود است. وقتی ما با موقعیت مبهمی روبه‌رو می‌شویم، آمادگی زیادی پیدا می‌کنیم تا با اطلاعات رسیده در آن زمینه، هم‌نوایی کنیم. به‌عنوان مثال، اگر در یک مجلس مهمانی در یک کشور خارجی نشستیم و غذایی را خوردیم و غذایی را نگذاشته باشند که ندانیم آن را چگونه باید خورد، طبیعی

است به افراد دیگر نگاه کنیم و از آن‌ها پیروی کنیم. همچنین اگر شخصی در یک جمع با موضوع مورد بحث آشنا نباشد یا در مورد قضاوت‌های مناسب مردّد باشد، احتمال بیشتری دارد که با عقاید افراد دیگری که در آن مجمع هستند، هم‌نوایی کند. در این موارد، می‌توانیم تبعیت را محصول کوشش شخص برای حلّ مسائل و رسیدن به نتایجی در مورد محیط و اوضاع و احوال اطراف خویش بدانیم.

اما اگر شخص به این دلیل با جمع هم‌نوایی کند که از پیامدهای منفی مخالفت، وحشت دارد، هم‌نوایی هنجاری روی داده است؛ یعنی در واقع، شخص با توجه به این که به‌درستی نظر خود و نادرست بودن نظر جمع اطمینان دارد، اما به عمد با جمع، هم‌رنگی نشان می‌دهد تا تصویری منفی از خود در افراد ایجاد نکند، یا برای این که خود را از درگیر شدن با دیگران حفظ کند، عقاید خود را انکار می‌کند.^۱

هم‌نوایی؛ درست یا اشتباه؟

آیا می‌توان به محکومیت هم‌رنگی در هر صورتی حکم نمود یا این که باید موارد مختلف و قضایای متفاوت، جداگانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته، سپس به مثبت و منفی بودن آن اعلام نظر نمود؟ شاید بهترین گزینه برای پاسخ، بررسی نقطه مقابل هم‌نوایی است و این که بدانیم نقطه مقابل هم‌نوایی، چگونه رفتاری خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال گفته شده که می‌توان دو نوع رفتار مغایر با هم‌نوایی را تجسّم کرد: یکی «استقلال رأی» که به‌صورت رفتاری است که بدون توجه به باورهای عمومی و تنها با اتکا بر فهم و درک و احساس شخص به‌ظهور می‌رسد. فردی که لباس پوشیدن او تابع مدّ یا هنجارهای گروه نیست، فردی است مستقل؛ شخصی که «کار خودش را می‌کند».

در کنار این رفتار که مستقل از فشار گروهی است، اصطلاح «ناهم‌نوایی» یا «چند هم‌نوایی» برای پاسخ‌هایی به‌کار می‌رود که مخالف پاسخ‌های اکثریت در بیشتر موارد باشد. یک فرد ناهمنوا یا ضد هم‌نوا، ممکن است همواره لباس‌هایی بپوشد که با هنجار گروهی مغایر باشد.

در جریان مطالعه بر روی علل عدم تسلیم بعضی از اسیران جنگی امریکایی به بازجویی‌های چینی‌ها در جنگ کره، روان‌شناسان دو نوع افراد مقاومت‌کننده را مشخص

۱. رک: مجله حدیث زندگی، مهر و آبان ۱۳۸۱، شماره ۷، با عنوان: هم‌نوایی و پیشرفت، ص ۶

کردند. بعضی از سربازان، بدین دلیل مقاومت کردند که معتقد بودند اعتراف به خطا و تقاضای بخشش، کاری نادرست است. این گروه از مردان را افرادی مستقل نامیدند. گروه دوم، کسانی بودند که تاریخچه‌ای طولانی از عدم پذیرش هر نوع دستور داشته‌اند و با هر دستوری مخالف بوده‌اند و در رسته خدمتی خود هم از دستور افسران سرپیچی می‌کرده‌اند، این گروه، نمایندگان افراد ناهمنوا بوده‌اند.

هرچند گزارش کراچفیدر در بررسی نظامیان نشان می‌داد که افراد «مستقل»، کارایی فکری بیشتر، نیرومندی خود زیادتر، استعدادهای رهبری قوی‌تر و روابط اجتماعی معقول‌تر بدون وجود احساس حقارت از خود نشان می‌دادند، اما وضعیت در مورد افراد ناهمنوا به این شکل نبود.

پس هرگونه نمایش ناهمنوایی، دلالت بر استقلال به مفهومی که بیان شد، نمی‌کند. افراد مستقل، ممکن است دیدگاه‌های افراد دیگر را نیز بپذیرند، لیکن این خودشان‌اند که تصمیم می‌گیرند.

با این توضیحات روشن شد که نباید درباره‌ی پدیده همنوایی، عجولانه قضاوت کنیم و آن‌را همیشه بد و منفی تلقی نماییم، چنان که کالینز گفته است: ساده‌انگاری و سؤال در این‌باره که آیا همنوایی خوب است یا بد، یک اشتباه است. شخصی که از پذیرش نظر و توصیه هر کسی در مورد هر موضوعی خودداری می‌کند، به احتمال قوی دارای مشکلات ویژه زندگی خود است. همان‌گونه که شخصی که همیشه همنوایی می‌کند و هیچ‌گاه قضاوتی بر مبنای منابع اطلاعاتی فردی خود انجام نمی‌دهد نیز دارای مشکل است.^۱

البته تردیدی وجود ندارد که همنوایی با برخی هنجارها مانند مقررات راهنمایی و رانندگی مورد تأیید و سودمند است و نظم اجتماعی را برقرار می‌سازد. علاوه بر این گاهی تبعیت از این هنجارها موجب صرفه‌جویی در وقت و انرژی می‌شود. برای مثال اگر قرار بود در شروع هر دوره تحصیلی، استاد و افرادی که قرار است در کلاس شرکت کنند، درباره زمان و مکان برقراری کلاس، امتحان، مدت زمان ادامه دوره، نحوه نمره دادن و دهها مسئله دیگر بحث کنند و آن‌ها را با توافق حل نمایند، عمده زمان دوره تحصیلی به این مسائل اختصاص می‌یافت. همنوایی با هنجارهای موجود از صرف وقت و نیروی بیهوده جلوگیری می‌کند.

^۱. پیشین.

همنوایی نامطلوب از دیدگاه اسلام

ناگفته روشن است که صرف تبعیت اکثریت افراد جامعه یا گروه از یک هنجار نمی‌تواند دلیل مطلوب بودن آن باشد، بلکه خوبی و بدی یک رأی یا رفتار تابع ملاک‌های خاص خود است. از دیدگاه اسلامی دست‌کم در چهار مورد هم‌نوایی نامطلوب است:

۱- گاهی تبعیت افراد از هنجارهای حاکم بر رفتار اکثریت، کورکورانه و بدون هیچ دلیل معقولی صورت می‌گیرد و آنان فقط رفتار را بدین خاطر انجام می‌دهند که دیگران نیز چنین می‌کنند.

به‌عنوان مثال اگر از برخی افراد که برچسب خاصی روی لباس یا خودرو خود چسبانده‌اند بپرسید که چرا چنین کاری کرده‌اند، در جواب شما به‌احتمال قوی به رفتار دیگران اشاره خواهند کرد و آن‌را دلیل رفتار خود خواهند خواند.

به‌طور حتم در فرهنگ اسلامی که تکیه فراوانی بر تعقل و تفکر دارد، این نوع هم‌نوایی نمی‌تواند پذیرفته باشد.

قرآن مجید از یک سو بدترین جنبندها را روی زمین را کسانی می‌داند که عقل خود را به کار نمی‌گیرند و گوششان از شنیدن حق ناتوان و زبانشان برای افشای حقیقت گویا نیست^۱ و از سوی دیگر به بندگانی که انتخاب‌گرند و پس از شنیدن سخنان مختلف، از میان آن‌ها بهترین را برمی‌گزینند، بشارت می‌دهد.^۲ هم‌چنین در قاموس قرآن، هر نوع پیروی کورکورانه

۱. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ - بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.» (انفال/۲۲)

۲. «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ - و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به‌سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن‌هاست پس بندگان مرا بشارت ده * همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که

خدا هدایت‌شان کرده، و آن‌ها خردمندانند.» (زمر/۱۷ و ۱۸)

- چه از پدران و گذشتگان^۱ و چه از بزرگان قوم و قبیله^۲ - محکوم است. طبیعی است در چنین فرهنگی، هم‌نوایی بی‌منطق با اکثریت نیز مطلوب به‌شمار نمی‌آید.

۲- گاهی تبعیت از اکثریت با این اعتقاد همراه است که کثرت طرفداران یک رأی یا رفتار دلیل حقانیت آن است. این نگرش گاهی آگاهانه و به‌صورت روشن و واضح از سوی افراد بیان می‌شود و گاهی به‌صورت ناهشیار در درون آنان وجود دارد. اما آشکارا بیان نمی‌کنند. بطلان این طرز فکر بسیار واضح است، زیرا دلیل معقولی بر این که اکثریت هیچ‌وقت راه خطا را نمی‌پیمایند، وجود ندارد. اگر هم در برخی جوامع بر روی رأی اکثریت تکیه می‌شود، از این باب نیست که اکثریت را جایز الخطا نمی‌دانند، بلکه بدان جهت است که راهی جز این برای اتخاذ تصمیم و قانون‌گذاری پیش‌روی خود نمی‌بینند و در واقع، به‌علت اضطرار و بن‌بست است. اما در جامعه‌هایی که جایگاهی برای خداوند و احکام الهی قائلند، اجباری برای پیروی از نظر اکثریت وجود ندارد، زیرا قوانین و برنامه‌های خداوند که از طریق انبیا به بشر می‌رسد، از هرگونه عیب و نقصی مبرا است و با قوانین و هنجارهای اکثریت قابل قیاس نیست. در این میان نباید از نقش نعمت خدادادی عقل غفلت کرد. اگر رأی یا رفتار اکثریت در یک گروه یا جامعه با معیارهای عقلی منطبق نبود، آیا باید با جماعت هم‌نوایی کرد و رفتار یا نظر نامعقول را پذیرفت؟ یا باید راه خود را از آنان جدا کرد و به حکم عقل

۱. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَمَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ - و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟!» (بقره/۱۷۰) همین مضمون در این آیات نیز آمده است: مائده/۱۰۴، اعراف/۲۸، انبیا/۵۳، زخرف/۲۲ و ۲۳.

۲. «يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ * وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا - در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم! * و می‌گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!»

گردن نهاد؟ آن چه مسلم است تبعیت اکثریت از یک عمل، دلیل موجهی بر حقانیت آن نیست و تشخیص حق و باطل ملاک دیگری می‌طلبد.

قرآن مجید این نکته را در عبارتی کوتاه و به صورت اصلی بنیادین چنین بیان می‌کند: «فَلَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - ای پیامبر! بگو هیچ‌گاه پاک و ناپاک یکسان نخواهند بود، گرچه از مشاهده فزونی ناپاک دچار شگفتی شوی؛ ای صاحبان عقل و اندیشه! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.» مائده/۱۰۰

در آیات قبل از این آیه، از حرام بودن مشروبات الکلی و قمار سخن به میان آمده است. ممکن است برخی افراد ارتکاب این‌گونه اعمال زشت را از سوی اکثریت در برخی محیط‌ها بهانه قرار دهند و به این دلیل که اگر این کارها قبیح بودند اکثریت مرتکب نمی‌شدند، از انجام دستورهای الهی سرباز زنند. خداوند متعال برای این‌که در این مورد و در تمام موارد، بهانه را به‌طور کلی از این‌گونه افراد بگیرد، بیان می‌دارد که ملاک خوبی و بدی یک عمل، اکثریت یا اقلیت نیست، بلکه در همه‌جا فکر و عمل شایسته (به ملاک عقل یا وحی) بهتر از افکار و اعمال آلوده است و صاحبان عقل و اندیشه هرگز فریب اکثریت را نمی‌خورند و همواره از پلیدی‌ها می‌گریزند و هر چند محیط آلوده باشد، سراغ پاکی‌ها می‌روند، گرچه تمام افراد محیط با آن مخالفت ورزند.

قرآن مجید در موارد متعدد از کسانی که از عقاید نامعقول دیگران پیروی نکرده و با رفتار ناشایست آنان هم‌نوایی ننموده‌اند، تجلیل می‌کند. از جمله این موارد، داستان اصحاب کهف است که وقتی آلودگی عقیده و رفتار جامعه و گروه خود را مشاهده کردند، از همراهی با آنان اجتناب ورزیدند و هم‌نوایی با جماعت را دستاویزی برای پیروی از عقاید و رفتار غلط جامعه خود قرار ندادند. قرآن آنان را «جوانمردانی» می‌داند که به خداوند ایمان آوردند و خداوند نیز بر هدایت‌شان افزود.^۱

قرآن نه تنها عمل و رای اکثریت را ملاک حقانیت آن نمی‌داند، بلکه در بیشتر موارد،

۱. «إِنَّهُمْ قِتِيَّةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى - آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و

ما بر هدایت‌شان افزودیم.» (کهف/۱۳)

اکثریت را نکوهش می‌کند و یاران حق و حقیقت را اندک و کم‌شمار می‌داند. در بسیاری از آیات؛ ناسپاسی، گمراهی و بی‌اطلاعی اکثریت مردم تذکر داده شده^۱ و تبعیت از آنان موجب گمراهی بیان می‌فرماید، زیرا آنان در مورد حق و حقیقت یا جاهل و بی‌خبر یا آگاه ولی تسلیم هوا و هوس‌های نفسانی‌اند.^۲

۳- گاهی هم‌نوایی با اکثریت انگیزه شناختی ندارد، بلکه دارای نوعی انگیزه عاطفی است. به عبارت دیگر ممکن است مشاهده کم‌شمار بودن طرفداران حق وحشت را بر وجود فرد مستولی کند و او را به مسیر باطل اکثریت بکشد. قرآن در موارد متعدد متذکر می‌شود که به‌طور معمول مؤمنان در طول تاریخ در اقلیت بوده‌اند. به‌عنوان مثال بعد از نهصدوپنجاه سال تبلیغ دینداری، تنها اندکی از قوم حضرت نوح علیه‌السلام به وی ایمان آوردند.^۳ و همچنین از چند شهر که حضرت لوط علیه‌السلام برای آنان تبلیغ می‌فرمود فقط یک خانواده هدایت شدند.^۴

۱. «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا - بی‌شک ما در این قرآن برای مردم از هر گونه مثل و نمونه آوردیم اما بیشتر مردم ابا کرده، جز کفر و انکار [اظهار] نداشتند.» (اسرا/۸۹) و همچنین بقره/۲۴۳، هود/۱۷، یوسف/۲۱ و ۱۰۳، و...
۲. «وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ - اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند.» (انعام/۱۱۶)
۳. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ - (این وضع هم‌چنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت (به نوح) گفتیم: از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) مگر آن‌ها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [همسر و یکی از فرزندان] و همچنین مؤمنان را! اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند!» (هود/۴۰)
۴. «فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می‌کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، * ولی جز یک خانواده‌ی با ایمان در تمام آن‌ها نیافتیم!» (زمر/۳۵ و ۳۶)

این امر نوعی دلگرمی به مؤمنان است که از اندک بودن شمار خود نهراسند و با صلابت و استواری، قدم در راه حق بگذارند و ناملایمات پیمودن آن را تحمل کنند.

۴- چهارمین نوع هم‌نوایی نامطلوب، هم‌رنگی با جماعت برای پرهیز از رسوایی است. برخی افراد برای آن که از طرف جمع، مورد بازخواست قرار نگیرند کاری را - که حتی خود به بدی آن اعتراف دارند - انجام می‌دهند. با این توجیه، دیگر جایی برای حق‌طلبی باقی نمی‌ماند و این توجیه جایگاهی در زندگی مؤمن ندارد. زیرا چنانکه در قبل متذکر شدیم، در بسیاری از جوامع؛ اکثر مردم به دلیل ناآگاهی یا هوا و هوس‌های نفسانی تابع حق نیستند و بنابراین، اگر مؤمنان از رسوایی دنیوی واهمه داشته باشند، باید طرفداری از حق و حقیقت را به کلی کنار بگذارند. قرآن مجید هم مؤمنان راستین را کسانی می‌داند که «در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند»^۱.

عوامل مؤثر بر هم‌رنگی و هم‌نوایی

مطالعات زیادی درباره هم‌نوایی انجام گرفته است. این بررسی‌ها نشان داده‌اند که بسیاری از عوامل موقعیتی، میزان تسلیم شدن یک فرد را به فشار گروهی تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل عبارتند از:

(۱) ضعف هویت دینی

بی‌تردید، کم‌رنگی اصول و ارزش‌های دینی، مهم‌ترین عامل در ایجاد جوزدگی و هم‌نوایی است که یکی از معضلات عمومی اجتماع به‌شمار می‌رود. از این‌رو مشاهده می‌کنیم که هر جا رنگ و بوی رعایت مسائل دینی کمتر به مشام می‌رسد، جوزدگی و هم‌رنگی نیز ملموس‌تر به چشم می‌آید و برعکس هر جا که پایبندی به روش‌های دینی، تمسک به آیات نورانی قرآن و

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی

سیره‌ی پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام بیشتر باشد، پایداری بر اصول بر اساس مبانی دینی و تفکر عقلانی و وحیانی نیز بیشتر است و دینداران واقعی کمتر به دام جو زدگی و هم‌نوایی منفی می‌افتند، زیرا معتقدند که این‌گونه مسائل پیش پا افتاده باعث دوری آنان از مسائل عمیق‌تر و مهم‌تر زندگی و هدف اساسی از خلقت انسان می‌شود.

۲) ضعف شخصیتی

نوع شخصیت افراد در هم‌نوایی مؤثر است. فردی که اعتماد به نفس و عزت نفس کمتری دارد امکان بیشتری دارد که با جمع هم‌نوایی کند. بسیاری از پوشش‌های ناهنجار، آرایش‌های نامناسب، لباس‌های جلف و زنده، رفتارهای سخیف، خنده و شوخی‌های نابجا و مانند آن، همگی نشان از کمبود شخصیت، عدم اعتماد به نفس و رنگ باختگی عزت و کرامت نفس انسان دارد که در رفتار و کردار او جلوه‌گر شده است. تا بدین طریق نظرات مثبت و تأیید و تحسین لفظی دیگران را برانگیزاند و پوششی بر ضعف‌های درونی خود بنهد. در تعدادی از پژوهش‌های مربوط به هم‌نوایی، آثار ویژگی‌های شخصیتی بر میزان نفوذپذیری افراد، مورد ارزیابی واقع شده است. یکی از متغیرهای مهم در این میان «نیاز به تأیید اجتماعی» است. کسانی که نیاز شدید به تأیید اجتماعی دارند، بیشتر رفتاری را انجام می‌دهند که تصوّر می‌کنند دیگران از آن‌ها انتظار دارند. کسانی که نیاز کم‌تری به تأیید اجتماعی دارند، احساس استقلال بیشتری می‌کنند و نسبت به قضاوت گروه درباره‌ی خود، کم‌تر نگرانند و طبیعی است که در تصمیم‌گیری‌ها بر ارزش‌ها و ترجیح‌های خود متکی‌اند.^۱

۳) نداشتن استقلال فکری

اتفاق نظر یا عدم اتفاق نظر اکثریت بر روی یک موضوع، اثرگذار بر میزان هم‌نوایی است و فرد، نظر جمع را پذیرفته و کمتر با آن مخالفت می‌کند. اگر در جمعی، فرد تنها باشد حتی اگر احساس کند نظرش درست است از ابراز آن خودداری می‌کند. به‌عنوان مثال، یکی از عوامل گرایش مردم به ماهواره جو زدگی است؛ باید پذیرفت که برخی از مردم در زندگی خویش فکر مستقلی ندارند و در اصل جوّ جامعه‌ی اطراف آن‌ها است که برایشان تصمیم می‌گیرد. در نگاه این دسته اصالت با هم‌رنگ جماعت شدن است. اگر جماعت اطراف چنین فردی، ماهواره را جزوی از زندگی بدانند، او هم به دنبال این جو رفته و ماهواره تهیه می‌کند.

۱. مجله حدیث زندگی، پیشین.

۴) رقابت و چشم و هم چشمی

رقابت و چشم و هم چشمی در امور مادی منجر به نابهنجاری‌های رفتاری و کلامی می‌شود. برخی بدون تفکر در جوانب مسئله، خود را با دیگران مقایسه می‌کنند که در موارد بسیار زیادی به مسابقه تبدیل می‌شود. آن‌ها می‌خواهند از هم سبقت بگیرند و این سبقت تا روی آوردن به جدیدترین مد کفش، لباس، تیپ، وسایل زندگی، مدل ماشین و... ادامه پیدا می‌کند و بدین ترتیب فرد در دام مدل‌های فرهنگی بیگانه می‌افتد و سلامت روحی - روانی‌اش دچار اختلال می‌شود. خودکوچک‌بینی و افسردگی، در شرایطی که بستر مناسب اقتصادی و روانی برای رقابت نباشد، از عوارض این پدیده‌ی ناهنجار و غیراخلاقی هستند. از کسی که اصلی‌ترین دغدغه‌ی او عقب نیفتادن از جامعه‌ی اطراف خویش است، نمی‌توان توقع زیادی داشت که درباره‌ی مسائل اطراف خویش؛ عاقلانه بیان‌دیشد.

۵) تمایل به نوگرایی

آفرینش انسان به گونه‌ای است که همواره از حالت یکنواختی گریزان بوده و در مقابل همیشه از تحول و نوآوری و تنوع در شکل و شیوه زندگی استقبال می‌کند و این تمایل در حالت عادی و در صورتی که پذیرش تحول و نوآوری از روی آگاهی و به‌صورت تدریجی و آرام صورت پذیرد، ظاهر زندگی آدمی را خوشایند و دلپذیر می‌سازد؛ بنابراین میل به خودآرایی و زیباسازی محیط زندگی، امری فطری است که به برکت آن، هم زمینه آراستگی صورت ظاهری محیط زندگی انسان فراهم می‌گردد و هم انگیزه تعالی و تداوم زندگی اجتماعی و روابط صحیح انسانی تقویت می‌شود و جنبه‌های مثبت کمال‌خواهی و زیبایی دوستی فطری انسان روز به روز شکوفاتر می‌گردد. اما هنگامی که این میل فطری با رفتارهای غیر دینی، اسراف و تبذیر، تبلیغ نمادهای غربی، ترویج سبک زندگی غیردینی، نادیده گرفتن اهداف عالی انسانی، لذت‌گرایی صرف، دنیاگرایی و سنت‌ستیزی همراه شود، این خواسته زیبا نیز به انحراف و ابتذال فکری، فرهنگی و رفتاری کشیده خواهد شد.

۶) تحمیل جو جامعه

میزان احساس امنیت از نکاتی است که بر هم‌نوایی اثر می‌گذارد. اگر عدم هم‌نوایی هیچ مشکل امنیتی از جهت روانی برای فرد ایجاد نکند بدیهی است که هم‌نوایی کاهش می‌یابد. به‌عبارت دیگر، گاه انسان رفتارهای خود را بر اساس جو تحمیل شده از جانب جامعه هماهنگ می‌کند و خود را مطابق خواسته عمومی در می‌آورد؛ تا بدانجا که از اصول و عقاید

و سنت و روش‌های گذشته نیز دست شسته، گرفتار تعارض فکری و رفتاری می‌گردد. این گروه به‌خاطر ترس از دیده نشدن، پیشگیری از تحقیر دیگران، حفظ رابطه‌ها، کم‌نیابردن، از دست ندادن محبت دیگران، خود را به روز و با کلاس نشان دادن، ترس از پذیرفته نشدن و دلایلی مانند آن به دامن هم‌رنگی و هم‌نوایی با دیگران می‌افتند و فرد برای جبران آن به رفتار نابهنجار هم‌نوایی، هم‌رنگی و مدگرایی گرایش می‌یابد. کنار گذاشتن حجاب، آرایش و پیرایش خارج از محدوده خانوادگی، گفت‌وگوهای نامناسب با نامحرم، تغییر فضای خانه، تبدیل مسافرت‌های زیارتی مشهد و کربلا و قم به سفرهای کیش و دوبی و مانند آن، اسراف در غذا، تغییر مداوم دکوراسیون خانه، ارتقای مکرر مدل ماشین، تغییر رفتار فرزندان، تغییر ادبیات گفتاری و ده‌ها مورد دیگر، همگی از جلوه‌های این عامل می‌باشد.

آفات جو زدگی

اگرچه در لابلای مباحث به آفات و آسیب‌های جو زدگی اشاره شد، اما در این‌جا به صورت گذرا برخی موارد را بار دیگر مرور می‌کنیم.

۱. زیر پا نهادن مسائل شرعی

هم‌نوایی بی‌دلیل در بسیاری از موارد باعث زیر پا گذاشتن بسیاری از امور شرعی می‌شود. به‌عنوان مثال در یک مهمانی یا عروسی، فرد جو زده و هم‌نوا، حاضر نیست بلند شده، برخلاف فضای جو موجود، وضو بگیرد و نماز بخواند، یا وقتی در جمعی مسائل شرعی زیر پا گذارده می‌شود، با توجیهاتی خود را راضی و همراه دیگران مشغول گناه می‌شود.

۲. کمک به فراگیری رفتارهای نادرست

به‌طور حتم بیشتر مسائلی که برخی بر اثر جو زدگی انجام می‌دهند، دارای پشتوانه فکری و عقلانی و یا مطابق با احکام اسلام و مقررات دینی نیست و بدین ترتیب، دامن زدن به آن، باعث گسترش و فراگیری روش غلط می‌گردد و انسان نیز به همان اندازه در گسترش یک سنت غلط نقش داشته و پیامدهای آن بر عهده او خواهد بود.

خداوند درباره‌ی کفاری که دیگران را به پیروی از خود فرا می‌خواندند می‌فرماید:

«وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَنْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ...» - آن‌ها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش

می‌کشند، و (نیز) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود...» (عنکبوت/۱۳)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرموده است: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ

عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ -

کسی که احداث کند طریقه خوبی را برای اوست اجر و ثواب آن و ثواب هر کس که عمل کند به آن تا روز قیامت و کسی که اختراع کند طریقه بدی را بر اوست گناه و گناه هر کس که عمل کند به آن تا روز قیامت.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سفارش خود به مالک اشتر می فرماید: «وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَاحِبَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَا تُخَدِّشَنَّ سُنَّةَ تَضَرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ فَيَكُونَ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَ الْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا — روشی را که بزرگان امت بر اساس آن رفتار کرده اند، و به سبب آن در میان مردم الفت برقرار شده، و اصلاح جامعه بر پایه آن بوده از بین میر، و روشی را که به روش های گذشته ضرر می زند به وجود نیاور، که پاداش و اجر برای کسی است که روش های درست را بر پا کرده، و گناه از بین بردن آن روش ها بر گردن توست.»^۲

۳. بروز اختلافات خانوادگی

همرنگی و همنوایی افراطی، باعث سرخوردگی کسانی می شود که امکان هم رنگی ندارند، به عنوان مثال برخی فلان تیپ و مدل را انتخاب می کنند، ولی کسی که قیافه مناسبی ندارد ناراحت و سرخورده می شود و جور دیگری درصدد رفع عقده ی خود بر می آید، یا به عنوان مثال ممکن است کسانی از لحاظ مالی این امکان را نداشته باشند تا همواره خود را مثل دیگران قرار دهند، همین مسئله باعث اختلاف والدین و فرزندان یا همسران می شود.

۴. تشبیه به کفار

از آن جا که بیشتر روش های غیر دینی (مدل ها، لباس ها و...) از سوی دشمنان اسلام برای مردم ما طراحی شده است، دنبال مد رفتن در اکثر موارد تشبیه به کفار را به دنبال خواهد داشت.

امام صادق علیه السلام از قول پدران شان می فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي - خداوند به یکی از انبیاء وحی کرد که به قومت بگو: هرگز لباس دشمن من را نپوشند. غذای دشمنان من را نخورند و شکل و شمائل دشمنان من را به خود نگیرند که در آن صورت دشمن من خواهند بود، همان گونه که آن ها دشمن من هستند.»^۳

۱. الفصول المختارة، (شیخ مفید) ص ۱۳۶ ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳. ۳. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۱؛ ص ۲۵۲

همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ - همیشه این امت اسلامی در نیکی و خیر به سر می‌برد تا زمانی که لباس غیر خودشان را نپوشند و مانند غیر خودشان غذا نخورند، ولی زمانی که این چنین کنند خداوند مُهر ذلت را بر پیشانی آن‌ها می‌کوبد.»^۱

۵. دو گناه

اگر عمل گروهی گناه باشد، همراهی آنان، نشان از رضایت داشتن به چنین رفتاری است که این کار طبق فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام دو گناه در پی دارد:

«الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ لِكُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٌ: إِثْمُ الرِّضَا بِهِ وَ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ - کسی که به کار گروهی خوشنود باشد، همانند کسی است که در آن کار با ایشان بوده است و کسی که به این کار مبادرت ورزیده و با آنان همراهی کرده، دو گناه نوشته می‌شود: گناه رضایت به آن کار زشت، و گناه انجام آن.»^۲

۶. ترک نهی از منکر

بر انسان مسلمان واجب است که در برابر گناه و اشتباه سکوت نکرده و با گفتار و رفتار خود از آن عمل نهی کند. واضح است که اگر عمل جمعی گناه یا اشتباه باشد، سکوت در برابر آن گناهی بزرگ و ترک یکی از فروعات دین است.

۷. عوارض مالی و جسمی

چنین انسان‌هایی مجبورند همیشه خود را در اختیار مد و روشی قرار دهند که دیگران برایشان انتخاب کرده‌اند. به همین دلیل پول و سرمایه خود را بر اثر تغییرات مداوم مد و رنگ عوض کردن‌های پیوسته هدر می‌دهند.

یا اگر در پی مد لباس باشند، همان‌طور که مشاهده کرده‌اید در بسیاری موارد به لباس‌های تنگ رو می‌آورند که همان‌گونه که گفته‌اند لباس تنگ باعث ایجاد اختلال در جریان خون، احساس کوفتگی و خستگی، دل درد، نفخ شکم، خارش و سوزش پوست، آگزمای تماسی، زخم و بریدگی پوستی، ترش کردن غذا، رشد قارچ‌های پوستی و... می‌شود. همین مثال در جراحی‌های زیبایی بسیار مشاهده شده است.

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۰

۲. غررالحکم ۱۶۴۰

راهکارها

ضمن مباحث گذشته به راه کارهای رفع این مشکل پرداختیم، اما جهت تبیین بهتر، به ذکر چند راهکار به صورت گذرا می پردازیم.

۱- نترسیدن از سرزنش و ملامت دیگران

همان گونه که اشاره شد از صفات کسانی که خداوند آن ها را دوست دارد و آن ها خدا را دوست دارند، این است که در راه تلاش برای رضای خدا، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند. «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ - (انسان های مورد علاقه خداوند کسانی هستند که) در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند.» (مائده/۵۴)

حقیقت این است که ایستادگی و مقاومت بر اصول و عقاید، لازمه اش تقویت معنوی و قدرت روحی است تا بتوان در مقابل آزار و اذیت های مخالفان دین و دینداری تاب آورد زیرا کسانی که در صدد جمع کردن یارانی برای افکار و رفتار شیطانی خویشند، به رفتار خود رنگ حق زده و مخالفان را با چماق تمسخر و استهزاء، بی فرهنگی و دوری از تمدن و با برچسب های امل، متحجر، دگم و مانند آن از صحنه مبارزه بیرون می کنند.

اما خداوند انسان هایی را دوست دارد «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» (مائده/۵۴) که این سخنان سخیف دشمنان دینداری آنان را به هم رنگی با دنیاپرستان وادار نمی سازد و به دستور خداوند در برابر این سرزنش ها استقامت می ورزند که فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود/۱۱۲)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ لَا تَحْرُكُهُ الْعَوَاصِفُ - مؤمن مانند کوه است و طوفان ها نمی تواند تکانش دهد.»^۲

۲- دوری از افراد جوگیر

از راهکارهای مهم در این زمینه، دوری گزیدن از افرادی است که به دلایل مختلف شخصی، شخصیتی و مانند آن، دچار آفت هم رنگی و هم نوایی هستند؛ زیرا معاشرت و هم نشینی با این گونه افراد به تدریج انسان را در گرداب هم نوایی منفی غرق می نماید.

۱. همچنین «وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری/۱۵)

۲. شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)، ج ۹، ص ۱۷۲

۳- عوض کردن جمع

از آن جا که همیشه این جمع است که فشار روانی بر انسان وارد می‌کند، حتی المقدور باید جمعی را انتخاب کرد که دچار این اشتباهات نباشند. به‌عنوان مثال دوستانی را برگزید که اهل گناه و مدگرایی منفی و... نباشند. همان‌گونه که در قبل آمد؛ قرآن کریم اصحاب کهف را به‌دلیل دوری از جمع گناهکاران؛ جوانمرد می‌نامد. (کهف/۱۳) البته این‌گونه هجرت‌ها فراوان است که مراجعه به قرآن و تاریخ ما را با نمونه‌های فراوان دیگری آشنا می‌سازد.

۴- پیشگامی خرد

از دیگر راهکارها، میدان دادن به اندیشه صحیح و عقل سالم و طرح این پرسش است که با وجود این همه پیامدها، آیا همچنان همنوایی و هم‌رنگی را مورد تأیید قرار می‌دهد یا خیر؟ زیرا طبق قاعده مشهور «کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل - آن‌چه مورد تأیید شرع است مورد تأیید عقل نیز می‌باشد» و همه‌ی مسائل را باید با دو ملاک عقل و شرع سنجید. بنابراین هر چیزی که مورد تأیید این دو تا (یعنی عقل و شرع نباشد)، قابل الگو برداری نیست. ناگفته روشن است که اندیشه سالم هیچ‌گاه چنین رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زای فردی، خانوادگی و اجتماعی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

۵- تقویت اعتماد به نفس

یکی از مسائلی که ما را به هم‌رنگی با جماعت می‌کشاند، پایین بودن اعتماد به نفس و عزت نفس است. اگر به توانایی‌های فکری و مهارت‌های خودمان اعتماد داشته باشیم، نه تنها دنباله‌روی کورکورانه را از زندگی خود حذف می‌کنیم، بلکه تلاش می‌کنیم تا با رفتار و اندیشه درست خود، آیینی‌ای برای دیگران باشیم.

۶- تقویت مهارت نه گفتن

یکی از مهارت‌های ارتباطی، نه گفتن است. مهارت نه گفتن یا رفتار قاطع به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی شناخته می‌شود. بسیاری از افرادی - به ویژه نوجوان و جوان - که به دلیل نداشتن مهارت نه گفتن، دچار آسیب‌هایی مثل هم‌رنگی در مدگرایی‌های منفی، همنوایی در رفتارهای خلاف قانون، جوردگی‌های سیاسی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و مانند آن می‌شوند. این‌گونه افراد، اغلب رفتار انفعالی را بر می‌گزینند، یعنی برای این‌که حمایت و دوستی همسالان خود را از دست ندهند، در مقابل خواست‌های آن‌ها مقاومت نکرده و دوستی خود را به بهای ناراحتی خود و خانواده خود و یا آسیب دیدن حفظ می‌کنند.